**امام(ره)پرچمدار اسلام ناب**

**سید حسن نصر اللّه**

سرمقاله

رهبر بزرگ ما،امام خمینی(ره)،به راستی‏ احیاگر دین،ارزشها و تعالیم اسلامی در دوران‏ معاصر بود که توانست اسلام را به عنوان‏ رسالتی الهی،حرکتی متمدن و روشی برای‏ زندگی فردی و اجتماعی مطرح کند و در عین‏ حال،اصول،مبانی،هویت و حتی اصطلاحات‏ کلی اسلام را حفظ نماید.او به ارائه یک برنامه‏ نظری و تئوریک اکتفا نکرده،بلکه آن را در عرصه‏های عمل،با وجود خطرات بسیار،به‏ دنبال پیروی چشمگیر خود،حکومتی بر پا کرد که بزرگترین و فراگیرترین خیزش و بیداری مسلمانان را برداشت.

به عقیده من،عوامل مهمی که موجب تحقق‏ چنین دستاوردهای بزرگ تاریخی توسط امام(ه)گردید عبارتند از:

دیدگاه ایشان پیرامون نقش و اهمیت دو عامل«زمان»و«مکان»در روند«جهاد فقهی»؛ تا آنجا که حضرت امام(ره)معتقد بودند اظهار نظری که این دو نکته را در بر نداشته باشد، اجتهاد محسوب نمی‏شود و صاحب چنین‏ نظریه‏ای مجتهد نخواهد بود.همین دیدگاه‏ بود که امام(ره)را قادر ساخت با پیوند میان‏ حال و گذشته،و با درک عمیق اسلام،نظریاتی‏ ارائه کند که موجب جاودانگی ایشان در همه‏ زمان‏ها و مکان‏ها گردید.

از دیگر مفاهیمی که امام(ره)آن را احیا کردند،مفهوم«جهاد و مبارزه»بود.بدون شک‏ بررسی این مفهوم،بدون توجه به مجموعه‏ افکار و دیدگاه‏های امام(ره)درباره اندیشه‏ سیاسی اسلام و فقه سیاسی اسلامی،به‏ویژه‏ مسائل مربوط به حکومت،دولت و رهبری، ممکن نخواهد بود.همچنین برای درک این‏ مفهوم لازم است به لزوم پرداختن به مسأله‏ دفاع از امت و سرزمین‏ها و ارزش‏های آن‏ توجه کنیم،چرا که بررسی مسأله جهاد و مبارزه،بدون توجه به هدف موردنظر آن، امکان‏پذیر نیست.

اگر بخواهیم به عظمت دستاوردهای‏ امام(ره)در این زمینه؛یعنی احیای مفهوم‏ جهاد و مبارزه پی ببریم،باید وضعیت امت‏ اسلام،پیش از نهضت امام خمینی(ره)و نیز اندیشه‏های رایج در حوزه‏های علمیه در آن زمان را در نظر بگیریم و به یاد آوریم که‏ اندیشه جدایی دین از سیاست،افکار و اذهان‏ مسلمین و حوزه‏های علمیه را به شدت تحت‏ تأثیر قرار داده و باور اطاعت از حاکم مسلمان، حتی اگر ظالم و طغیانگر و مستبد باشد،در افکار بسیاری از مسلمین رسوخ کرده بود.امام‏ (ره)،آخوندهایی را که این مفهوم را ترویج‏ می‏کردند،«آخوندهای درباری»نامیدند.از سوی دیگر،مفهوم«تقیه»به معنی منفی آن، بسیاری از مردم را حتی از اندیشه خیزش و مبارزه بازمی‏داشت.علاوه بر آن در عرصه‏ جنبش‏های اسلامی،عقیده‏ای براساس‏ اندیشه‏های فقهی ریشه‏دار در راستای لزوم‏ اطاعت از رهبر دینی وجود نداشت. مهم‏تر و خطرناک از همه این تهدیدات، آن بود که هرکس به فکر عبور از مرز این‏ اندیشه‏ها-که ظاهری مقدس‏مآبانه و مشروع‏ پیدا کرده بود-می‏افتاد،یقینا مورد اتهام و تهمت واقع می‏شد و چنین مسأله‏ای برای‏ حضرت امام(ره)هم پیش آمد،اما ایشان با عزمی استوار و اراده‏ای که آمادگی رویارویی‏ با هر پیشامدی،حتی شهادت را هم داشت، با همه این مشکلات مقابله کرده و سرانجام‏ با ویران کردن پایه‏های این تفکرات،برداشت‏ صحیح خود از اسلام ناب را ارائه نمودند.

آنچه می‏خواهم ذکر کنم این است که امام‏ (ره)،تنها به مقابله با شاه یا اربابان آمریکایی‏ او و یا جریان تمدن غرب که به کشورهای ما هجوم آورده اکتفا نکردند،بلکه در عرصه‏های‏ داخلی نیز با جریانات فکری خطرناک‏تری‏ به مبارزه پرداختند که رنج و اندوه بسیاری‏ در روح ایشان ایجاد کرد و فرمودند:علمای‏ متحجر و خشک مقدسها،پیش از شاه و ظلم‏ و ستم او قلب مرا آزرده است. امام(ره)در راه اصلاح و تصحیح مفاهیم و تصورات نادرستی که وجود داشت تلاش‏ بسیار کردند و بر همین اساس فریاد مبارزه و نهضت خود را آغاز نمودند که در اینجا تنها به‏ بعضی عناوین آن اشاره می‏کنم:

1)تأکید بر وجود رابطه میان دین با دنیا و زندگی و ابعاد مختلف آن،از جمله حکومت و مخالفت با جدایی دین از سیاست و حکومت‏ و دور نگهداشتن علمای دینی از صحنه(مسئولیت‏های عمومی.

2)ارائه مفهومی جدید و متفاوت پیرامون‏ مسأله تقیه،شرایط و موقعیت‏های آن.

3)مخالفت با این تصور که انتظار فرج در زمان غیبت حضرت امام مهدی(عج)به معنی‏ سکوت و دست روی دست گذاشتن می‏باشد.

4)مخالفت با تفکری که کنارگیری عابدان‏ و زاهدان از مسئولیت‏های اجتماعی را نشانه‏ تقدس و پاکی آنان می‏داند.امام(ره)دوری‏ این گروهها از صحنه جامعه را در واقع افتادن‏ در دام شیطانی تلقی می‏کردند و نه تنها آن‏ را نشانه تقدس نمی‏دانستند،بلکه ضربه زدن‏ به باورهای دینی انسان و عدم پایبندی به‏ اصول می‏شمردند و برای اثبات این عقیده، نمونه‏هایی از سیره و روش پیامبران و ائمه‏ اطهار(ع)اشاره داشتند.

بدین ترتیب حضرت امام(ره)اندیشه اصیل‏ امر به معروف و نهی از منکر را در مبارزه با ظلم و فساد،احیا کرده و این تکلیف شرعی‏ را با آنچه که سیر و سلوک الی اللّه و وصول‏ به مقام قرب الهی نامیده می‏شود در ارتباط می‏دانستند.

5)ارائه بینش اسلامی استواری درباره مسأله‏ رهبری دینی که تحت عنوان«ولایت فقیه» مطرح گردید.

6)یافتن راه حل مناسب فقهی برای یکی از مشکلات اساسی موجود بر سر راه نهضت‏ اسلامی که عبارت بود از چگونگی و همگامی‏ میان گرایش‏های دینی و اسلامی نهضت از یک سو و جریان ملی میهنی از سوی دیگر، که بتواند با طرح شعارهای ملی،اقشار مختلف‏ جامعه را گرد هم جمع کند.

7)احیای بینشی که معتقد است خداوند طبق‏ وعده‏ای که در قرآن فرموده مسلمین را در رسیدن به پیروزی یاری می‏دهد که این بینش‏ تأثیرات تربیتی و روحی زیادی در پیشبرد نهضت و مبارزه ایجاد کرد.

8)تکیه بر اراده و خواسته ملت و اعتماد بر آنان و قدرتی که امت در ایجاد تحولات دارد و بهره‏گیری از همه اقشار جامعه و امتفا نکردن‏ به گروههای خاص و نخبگان.

9)عدم اعتماد و اتکای به شرق و غرب برای‏ پیشبرد نهضت.

10)تأکید بر گسترش آگاهیهای سیاسی و تاریخی برای شناخت اوضاع و احوال دنیا و تشخیص دقیق دوست از دشمن.

11)تعیین اولویت‏ها و اعتقاد بی‏شائبه به‏ رعایت آن اولویت‏ها.

12)تأکید بر ابعاد انسانی و اخلاقی روشها و اهدافی که نهضت به آن می‏اندیشد.

13)تأکید بر وحدت و دوری از نزاع و تفرقه‏ و پرهیز از هر نوع فتنه‏انگیزی،به منظور تقویت روحیه همکاری و جستجوی پیگیر برای یافتن اصول مشترک میان ملتها و تمامی‏ مستضعفان جهان.

14)تأکید بر نقش رهبر به عنوان راهنما و مرشد و لزوم به دور ماندن ساحت رهبر از هر نوع شائبه و شبهه و در عین حال حضور مستمر در صحنه و آمادگی او برای هر نوع‏ فداکاریب.

علاوه بر همه این مفاهیم و اندیشه‏ها،امام(ره) ویژگی دیگری هم در رهبری نهضت داشتند که عبارت است از عرفان و روح معنوی بلند ایشان.

من گمان می‏کنم که امام(ره)در مبارزه و رویارویی با شاه و استکبار،همان روشی را در پیش گرفتند که در سیر و سلوک عرفانی‏ خود به سوی خداوند از آن استفاده کرده،یا لا اقل بسیاری از اصول آن را در مبارزه هم‏ به کار بردند.به عنوان مثال،امام(ره)به‏ عنوان اولین شرط نهضت همواره مردم را به بیداری و هوشیاری و دوری از غفلت و توجه به آثار کارهای شاه و اربابانش در ایران‏ فرامی‏خواندند.

از طرفی،امام(ره)در درسهای اخلاق خود، همین مضامین و تعبیرات را به عنوان اولین‏ شرط مبارزه با نفس و رسیدن به خدا عنوان‏ می‏فرمودند.در ادامه،از ملت می‏خواستند که با عزم و اراده محکم برای به دست گرفتن ابتکار عمل در صحنه مبارزه به پا خیزند.امام(ره)این‏ مفهوم اصیل اسلامی،یعنی جهاد و مبارزه‏ را بار دیگر احیا کردند.تجربه نشان داده که‏ گفتار امام(ره)،تنها به عرصه انقلاب اسلامی‏ محدود نمی‏شود و اینکه برخی می‏گویند موفقیت نهضت امام(ره)به ویژگیهای جامعه‏ ایران مربوط می‏شود و نه فقط به مفاهیم آن، ادعای درستی نیست چرا که تجربه مقاومت‏ اسلامی لبنان(که از زمان حملات گسترده‏ صهیونیست‏ها در سال 1982 میلادی(1361 ه‏ ش)شروع شد)هنوز هم تحت تأثیر گفتار و عملکردهای امام(ره)قرار دارد.امام خمینی‏ (ره)بود که در اندیشه و قلب و دیدگان‏ مجاهدان تجلی نمود و راه را به آنان نشان داد و در باغ شهادت را به روی عاشقان گشود و افقهای روشنی را در برابر آنان ترسیم کرد.

در دیدگاه امام(ره)،مقاومت اسلامی،عبادتی‏ در عرصه‏های پیکار و دفاع بود نه در گوشه‏های‏ انزوا و کنج مساجد.مقاومت اسلامی،درس‏ وحدت ملی و روش ایجاد حرکت میهنی را در مکتب امام(ره)آموخت و با تکیه بر ملت‏ و مجاهدان مخلص،از خداوند متعال،نصرت‏ و پیروزی را طلب نمود.از نظر امام(ره)، مقاومت،یک مفهوم اخلاقی و انسانی تأثیر گذار است که رهبر و راهنمای خود را شناخته‏ و با وی بیعت نموده است.اولویت‏های خود را برمبنای راه و روش امام(ره)تعیین نموده‏ و دوست و دشمن را از یکدیگر بازشناخته‏ است.مقاومت لبنان،با تکیه بر راه امام(ره)،در مسیر فداکاری و جانفشانی گام برداشته و یقین‏ پیدا کرده که جهاد و مبارزه،کوتاهترین راه‏ برای رسیدن به پیروزی و شهادت،کوتاه‏ترین‏ راه وصول عاشقان به لقای پروردگار است.

مقاومت اسلامی لبنان،ثمره اندیشه،افکار، روحیات و نفس گرم امام(ره)بوده و به روح‏ بزرگ ایشان وفادار خواهد ماند تا برای وطن، مجد و عظمت و برای امت اسلام،کرامت و عزت به ارمغان آورد،سرزمین‏های مقدس را آزاد کند و با خون خود خواهد جنگید تا بر شمشیر پیروز شود و خمینی کبیر(ره)،نام و عنوان و روح و عشق جنبش مقاومت خواهد بود و خونی است که در رگها جاری شده و به‏ پیکره امت،امید می‏بخشد.

در یکصدمین سالگرد حضرت امام(ره)و در این همایش پربرکت به روح بلند و پیکر مطهر ایشان سلام و درود می‏فرستیم و از خداوند متعال می‏خواهیم که ما را بر راه آن بزرگوار ثابت‏قدم نموده و با ایشان و اجداد طاهرینشان‏ محشور فرماید.

و السلام علیکم و رحمت اللّه و برکاته